

مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذی نفع در اقامه دعاوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا

محمدحسین رضائی قوام آبادی^۱، جواد جوادمنش^۲*

«هو انشاکم من الارض و استعمرکم»

خداوند شما را از زمین خلق کرد و شما را مأمور آبادانی آن کرد. (هود ۶۱)

چکیده

سمت به معنای صلاحیت اقامه دعا داشته در محضر دادگاه است. احراز سمت دسترسی شهروندان به دادگاه را محدود می کند. این حق دسترسی اصلی کلیدی محسوب می شود و در نظام های حقوقی مختلف معیارهای متفاوتی برای احراز سمت خواهان به کار می رود. پرسش بنیادین این است: آیا، در دعاوی زیست محیطی، شهروندان و سازمان های غیر دولتی، که نفع مستقیم و شخصی ندارند، می توانند علیه آسیب زنده به محیط زیست اقدام به طرح دعا کنند؟ امروزه، اغلب کشورها دریافته اند که تبیین دایره سمت در دعاوی زیست محیطی متفاوت از سایر حوزه ها امکان بهره گیری از ظرفیت های مردمی را برای حمایت و حفاظت از محیط زیست میسور می سازد. بدین روی، در کشورهای مختلف دنیا امکان اقامه دعا بر مبنای منفعت عمومی (متمایز از موضوع منفعت جمعی) به خوبی فراهم شده است.

کلیدواژه‌ها

احراز سمت، حقوق محیط زیست، خواهان، دعاوی زیست محیطی، نفع عمومی.

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شعبه دبی (نویسنده مسئول).
Email: javadmaneshj@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۶

مقدمه

هدف این پژوهش ارائه تحلیلی عمیق درباره مقررات قانونی در زمینه نحوه احراز سمت در دعاوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپاست. سمت به معنای قاعده مند کردن امکان طرح دعواست از سوی اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی، در محاکم حقوقی و کیفری و اداری در نظام های حقوقی مختلف؛ نیز شرایطی که اشخاص باید از آن برخوردار باشند. بنابراین، سایر شرایط دستیابی به محاکم موضوع بحث ما نیست.

تبیین دایره سمت در دعاوی زیست محیطی، متفاوت از سایر حوزه ها، امکان بهره گیری از ظرفیت های مردمی را برای حمایت و حفاظت از محیط زیست میسور میسازد. هنگامی که از ضمانت اجرای تضمین حق بر محیط زیست سخن به میان می آید به شیوه مشارکت عمومی به منزله یکی از روش های اصلی پرداخته می شود. بدیهی است تحقق همه جانبه مشارکت عمومی به تفاسیری متفاوت و دامنه شمولی وسیع تر در پیگیری و طرح دعاوی زیست محیطی نیاز دارد. از سوی دیگر، دستیابی به عدالت زیست محیطی و اجتماعی و تأمین حق بر محیط زیست سالم با مشارکت همگانی معنا می یابد و در انطباق با واقعیت موجود بهترین نحوه اجرای قواعد زیست محیطی را موجب می شود. اتفاقی که در اغلب دعاوی زیست محیطی روی می دهد آن است که رویدادی منجر به آسیب رسیدن به محیط زیست و جمع کثیری از مردم می شود و در این میان چه بسا آسیب دیدگان مستقیم حادثه، بنا بر دلایل مختلف، قادر به طرح دعوا نباشند. در این صورت، این پرسش پیش می آید که آیا آسیب های وارده به محیط زیست باید مغفول بماند؟ بنابراین، یکی از نگرانی های به حق جامعه جهانی دایره اشخاص ذی نفع برای طرح دعوا در رابطه با آسیب های زیست محیطی است. چنانچه خود را در همان طبقه بندی های سنتی محدود کنیم، جبران حاصل از آن بسیار ناچیز و دور از اهداف این حوزه خواهد بود. کشورهایی همچون امریکا پذیرفته اند که گستره ای وسیع تر را برای سمت در زمینه محیط زیست در نظر بگیرند. همچنین، فراموش نکنیم که ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (ECHR) (۱۹۵۰) هر گونه محدودیت در دسترسی به عدالت را منع می کند و بدین روی اتحادیه اروپا نیز در زمینه احراز سمت دایره ای وسیع را مدنظر قرار داده است.

این مقاله دو بخش اصلی دارد. در بخش اول تمرکز بر بررسی کلیات و مفهوم قانونی سمت خواهد بود و اینکه چرا بر آنیم موضوعات زیست محیطی باید قابل دادخواهی از سوی شهروندان و سازمان های زیست محیطی باشد. تحلیل مفهوم و گستره سمت در حوزه دعاوی محیط زیست در اتحادیه اروپا و رژیم های حقوقی ملی کشورهای عضو و ایران محور بخش دوم خواهد بود. در پایان، تحلیل ها نشان خواهد داد که آیا بر مفهوم و نحوه احراز سمت در حوزه های خاص، همچون محیط زیست، شرایط ویژه ای حاکم است یا خیر.

الف) کلیات و مفاهیم

لزوم دسترسی شهروندان و سازمان‌های فعال در حوضه محیط زیست، به‌ویژه سازمان‌های غیر دولتی، به مراجع قضایی از تعهد و مسئولیت اجتماعی همگانی به حفاظت از محیط زیست نشئت می‌گیرد. محیط زیست واحد و یکپارچه است و مالکیت اعتباری و مرزهای سیاسی را تصنعی و صوری جلوه می‌دهد. یکی از راهکارهای مؤثر در زمینه حفاظت از محیط زیست افزایش تعداد و توانمندسازی سازمان‌های غیر دولتی در زمینه محیط زیست است (متصدی زرنندی و ببران، ۱۳۸۷: ۱۱۴). این سازمان‌ها، به دلیل داشتن تخصص‌های مفید در این حوزه، همچنین به دلیل اینکه حلقه رابط میان شهروندان و نهادهای حاکمیتی هستند، می‌توانند در ایجاد حسن تفاهم میان این دو گروه و در پیگیری‌های قضایی تخصصی این حوزه و تحقق قواعد زیست‌محیطی نقشی شایان ملاحظه داشته باشند.

۱. ضرورت دسترسی شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی به مراجع قضایی در

حفاظت از محیط زیست

حقوق بشر از حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیر است که هر فردی در هر جای دنیا فقط به دلیل انسان بودن آن را داراست. حق افراد برای برخورداری از محیط زیست سالم نیز جزئی از حقوق بشر است.^۱ بنابراین، می‌توان گفت هر فعالیتی که به محیط زیست صدمه بزند می‌تواند نقض حق اساسی بشری، یعنی نقض حق حیات، به شمار آید؛ ضمن آنکه حمایت از محیط زیست انسانی و حفظ آن امروزه یکی از مسائل جهانی است (مرادی‌نوده، ۱۳۸۷: ۲۲۳) و اغلب اوقات از محیط زیست همچون یک نگرانی مشترک یا حتی میراث مشترک یاد می‌شود. چنانچه باور داشته باشیم که حق بر محیط زیست در زمره حقوق همبستگی^۲ است، باید این خصوصیت حقوق همبستگی^۳ را نیز، که هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه از دولت است، برای آن در نظر بگیریم.

۱. هنگامی که می‌گوییم انسان از حق حیات برخوردار است منظور حق زندگی با استاندارد و باکیفیت و برخورداری از محیط زیست سالم در محل زندگی و کار است. نظر دیگری هم در این خصوص وجود دارد که می‌گوید ارزش محیط زیست نباید با توجه به نفع و سودی که برای بشر دارد سنجیده شود. ارزش متصور باید به ذات محیط زیست بازگردد، نه با توجه به اهمیتی که بالعرض برای انسان دارد. (به نقل از رضائی قوام‌آبادی، ۱۳۷۵: ۲۱۰). برای مطالعه بیشتر درباره دیدگاه‌ها درباره انسان‌محوری و زیست‌محوری بنگرید: حقوق زیست‌محیطی بشر، ۱۳۸۹: ۱۰۷ به بعد.

2. Solidarity rights

۳. پیش‌نویس طرح سومین میثاق بین‌الملل حقوق همبستگی ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد حقوق همبستگی را به چهار دسته تقسیم می‌کند و حق بر محیط زیست یکی از آن چهار دسته است.

یک بُعد از حق بر محیط زیست یا به تعبیری حق بر حفاظت از محیط زیست ویژگی آن در ایجاد حق و تکلیف برای همگان است (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۳۵۰). اسناد بین‌المللی در زمینه حوزه محیط زیست بر حق اشخاص برای دسترسی به محاکم در این زمینه تأکید ورزیده‌اند. اصل اول بیانیه کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست بشر (استکهلم ۱۹۷۲) همه انسان‌ها را برای حمایت و بهبود وضعیت محیط زیست، اعم از محیط زیست نسل حاضر و آینده بشر، مسئول قلمداد کرده است.^۱ علاوه بر آن، پیش‌نویس طرح سومین میثاق بین‌الملل حقوق همبستگی در ماده ۱۴ اشعار می‌دارد: «هر انسان و همه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیطی سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و حقوقی برخوردار شوند.» در ماده ۱۸ نیز مقرر می‌دارد: «هر فردی که به حق او برای داشتن محیطی سالم و از نظر زیست‌محیطی متعادل تجاوز شود یا تهدیدی واقعی مبنی بر چنین تجاوزی در حق او وجود داشته باشد می‌تواند به طور مؤثر به مرجع ملی صالحه شکایت کند؛ حتی اگر عامل تجاوز یا تهدید به تجاوز شخصی باشد که در حال انجام دادن وظایف قانونی خود است.» از سوی دیگر، منشور طبیعت (موسوی، ۱۳۸۵: ۴۲۶) نیز در اصل ۲۳ به حق افراد برای مراجعه به مراجع قضایی، در صورت تخریب یا صدمه به محیط زیستش، اشاره می‌کند. در اصل ۱۰ اعلامیه ریو^۲ نیز این حق دسترسی به محاکم تکرار می‌شود؛ مضاف آنکه اصل ۲۴ منشور طبیعت افراد را ملزم به کوشش برای تحقق و تضمین اهداف و مقررات منشور کرده است. کنوانسیون آرهوس هم، به تبع سایر اسناد بین‌المللی، حق مراجعه به مراجع قضایی را برای عموم در مسائل محیط زیستی شناسایی و تدابیری را برای تضمین این امکان پیش‌بینی می‌کند: مفروض دانستن نفع سازمان‌های غیر دولتی، تصریح به مورد تعرض قرار گرفتن حقوق سازمان‌های غیر دولتی، و رعایت اصل عدم تبعیض در دسترسی به مراجع (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۱۰). همه این موارد در واقع ابزارهایی جهت تحقق و تضمین دسترسی به عدالت‌اند.

بنا بر مراتب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که حق بر محیط زیست سالم، مانند سایر حقوق، باید از طریق تضمین اجرای آن حمایت شود و از دادرسی عادلانه برخوردار باشد. تضمین این حق مستلزم برقراری سازوکاری است که اقدامات مرتبط برای حمایت و حفاظت را ممکن کند و افزایش دهد. یکی از روش‌های تحقق ضمانت اجرا در این حوزه تسهیل دسترسی به محاکم

۱. در اعلامیه استکهلم حق داشتن محیط زیست سالم، همچون آزادی و برابری، از حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی شده است. حق بر محیط زیست توسعه‌یافته‌ترین شاخه حقوق همبستگی محسوب می‌شود (به نقل از امیرارجمند، ۱۳۷۴: ۳۲۸).

۲. در اصل ۱۰ اعلامیه ریو آمده است: «... دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری، از جمله مجازات و جبران خسارت، باید تضمین شود.» (به نقل از موسوی، ۱۳۸۵: ۴۲۹)

برای شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی است. دولت‌ها باید در قوانین خود اصل اساسی وظیفه محافظت از محیط زیست را به طور کلی برای شهروندان به رسمیت بشناسند. بدیهی است مجنی‌علیه اول و مستقیم جرایم زیست‌محیطی همان محیط زیست است که قادر به حفاظت یا پیشگیری از صدمات یا پیگیری جهت جبران نیست (نجفی‌اسفاد و همکار، ۱۳۹۱: ۲۱۳). از آنجا که یکی از شرایط اساسی تضمین حق بر محیط زیست سالم پیش‌بینی ضمانت اجرایی کافی برای تحقق آن در قوانین موضوعه است، کشورها همواره در قوانین خود مجازات‌هایی را برای تنبیه متخلفان از مقررات زیست‌محیطی مقرر کرده و می‌کنند.^۱

در جمهوری اسلامی نیز، مانند سایر کشورها، حفاظت از محیط زیست، که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. ازین رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب جبران‌ناپذیر آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.^۲ به طور منطقی، هر جا قانون اساسی از حق بر محیط زیست سالم حمایت می‌کند باید امکان طرح دعوا بر مبنای منفعت عمومی نیز به شهروندان اعطا شود. در غیر این صورت، تضمین این حق با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد شد. اصل ۴۵ قانون اساسی، که مصادیق انفال را برمی‌شمارد، شامل مسائل زیست‌محیطی نیز می‌شود.^۳

تحقق اصل پیشگیری در حقوق بین‌الملل محیط زیست به اعطای نقش بیشتر به سازمان‌های غیر دولتی در حوزه‌های خاص، همچون محیط زیست، نیاز دارد (رمضانی

۱. بدیهی است طرح دعاوی این حوزه با محدودیت‌ها و شرایطی نیز توأم است که در ادامه مقاله بدان خواهیم پرداخت. مثلاً در قرن ۱۴ میلادی در انگلستان مجازات سنگینی در این خصوص برقرار بود. دولت انگلیس، به منظور مبارزه با آلودگی هوای شهر، یکی از اهالی شهر لندن را، به دلیل ایجاد دود فراوان از طریق سوزاندن زغال‌سنگ، اعدام کرد. امروزه نیز نقض مقررات محیط زیست در انگلیس تعقیب کیفری دارد و بعضاً مجازات‌های سنگینی ممکن است بر متخلفان تحمیل شود. مثلاً، قانون طراحی شهر و روستا، مصوب ۱۹۹۰، در ماده ۲۱۰، برای قطع درختان مجازات سنگین تا بیست‌هزار پوند مقرر کرده است. قانون مجازات اسلامی ایران جرمی مانند تهدید علیه بهداشت عمومی را پیش‌بینی کرده و برای برخی آلودگی‌های محیط زیست جنبه کیفری و مجرمانه قایل شده است. مجازات‌هایی که علیه جرایم محیط زیست اعمال می‌شوند در زمره ملایم‌ترین مجازات‌های نظام کیفری ایران‌اند. قانون‌گذار اغلب از مجازات‌هایی همچون جریمه نقدی ناچیز، که نوعاً تحمل آن برای مجرم آسان‌تر است، استفاده می‌کند و از مجازات‌های ترمیمی، مانند الزام به به‌سازی و اعاده وضع به سابق، در قوانین کمتر اثری به چشم می‌خورد (به نقل از عبداللہی و فریادی، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۷۷).

۲. اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. از سوی دیگر باید توجه داشت بر اساس قاعده فقهی «وجوب دفع الضرر المحتمل» باید از اقداماتی که می‌تواند به محیط زیست آسیب برساند جلوگیری به عمل آورد (به نقل از بهرامی‌احمدی و علی‌خانی، ۱۳۹۲: ۹۲).

۳. مسائل زیست‌محیطی در فقه امامیه ذیل موضوع انفال بحث می‌شود (به نقل از رضانی قوام‌آبادی و سیمایی‌صراف، ۱۳۹۳: ۲).

قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). این نقش‌آفرینی می‌تواند هم به زیان‌دیدگان خاص کمک کند و هم به مراجع قانونی تا به عدالت واقعی دست یابند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۱). در ایران امکان طرح دعوا در حوضه محیط زیست از سوی اشخاص و سازمان‌های غیر دولتی آشکارا در جهت کمک به اجرای اصل ۵۰ قانون اساسی قابل طرح است.

با عنایت به اینکه دولت‌ها در زمینه رعایت اصول محیط زیست تعهداتی را در سطح بین‌المللی بر عهده دارند، باید با مطلع کردن مردم و بسیج همگانی حساسیت و مشارکت عموم را میسر کرد. بنابراین، دسترسی مؤثر به مراجع قضایی و اداری و امکان جبران باید از ناحیه دولت‌ها تضمین شود.

۲. مفهوم نفع حقوقی و داشتن سمت

اصل لزوم درخواست ذی‌نفع در دعاوی، برای آغاز فرایند رسیدگی، بی‌شک یکی از اصول بنیادین دادرسی است (فرحزادی، ۱۳۷۹: ۴). در حقوق همه کشورهای شناسایی طرفین دعوا یکی از موضوعات اساسی روند رسیدگی به شمار می‌رود (Corrincare, 2004: 18). این موضوع امری بدیهی است که در هر نظام توسعه‌یافته باید مکانیسمی برای سنجش قانونی بودن امکان طرح دعوا وجود داشته باشد. ضمن آنکه با احراز ذی‌نفع بودن شخص، دیگر، نوبت به احراز سمت نمی‌رسد. مسموع نبودن دعوا به لحاظ فقدان ذی‌نفعی خواهان برگرفته از حقوق فرانسه است که از موجب عدم استماع دعوا تلقی شده است (شمس، ۱۳۸۰: ۳۲۱). شعار قضایی مبنای این قاعده در فرانسه این است که نبود نفع نبود دعوا را به همراه دارد (متین‌دفتری، ۱۳۸۸: ۱۱۲). به نظر می‌رسد، نظریه سمت و به‌کارگیری آن در محاکم دو عنصر اساسی حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند: ایده‌های جهان‌شمولی قانون و برابری در برابر قانون.^۱ نتیجه منطقی دکترین سمت این است که اگر هیچ شاکی صالحی وجود نداشته باشد، متخلف ممکن است به نقض تعهدات خود ادامه دهد و دادگاه‌ها نیز ناتوان از مداخله خواهند بود. دکترین سمت مقرر می‌دارد که نمی‌توان برای اجرای قانون دعوایی را طرح کرد، مگر اینکه حق و منافع و علاقه خود شخص به طور مستقیم در خطر باشد. زیرا فقط جامعه حق دارد تصمیم بگیرد چه زمانی و چگونه قوانین خاص خود را اجرا کند. به دیگر سخن، وفق قواعد سنتی حاکم در حوزه دادرسی خواهان باید نفع کافی یا مسئولیت شخصی درخصوص موضوع و خروجی دعوا داشته باشد تا قادر به اقامه آن باشد (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

باید توجه کرد ذی‌حق بودن مفهومی عام‌تر از ذی‌نفع بودن است و نفعی است که تثبیت

۱. ضمن آنکه شاید بتوان گفت بین تئوری سمت و اصل لزوم رعایت قانون از سوی دولت و حرکت در چهارچوب قانون تنش وجود دارد.

شده و رابطه بین این دو مفهوم عموم خصوص من وجه است. پس، هر ذی حقی ذی نفع است، ولی هر ذی نفعی الزاماً ذی حق نیست (صادقی و جوهری، ۱۳۹۱: ۱۲۰). ذی نفع، به طور مستقیم و شخصی، از نتیجه دعا بهره مند می شود. در نظام های حقوقی مختلف نفع مادی و معنوی قابلیت مطالبه دارد. بنابراین در دعاوی زیست محیطی نیز همین قاعده قابلیت اعمال خواهد داشت.

قانون گذار ایران معیاری برای شناسایی ذی نفع پیش بینی نکرده است. بدین روی، نویسندگان هر یک به زعم خویش معیاری برای تشخیص ذی نفع ارائه می کنند که مشتمل بر این موارد است: ۱. حقوقی و مشروع؛ ۲. به وجود آمده و باقی؛ و ۳. شخصی و مستقیم باشد. اگر بخواهیم بر مبنای این نظریه قاعده ای را بنا نهیم، باید بگوییم فقط اشخاصی می توانند به اقامه دعا در این زمینه بپردازند که از آلودگی زیست محیطی، شخصاً و به طور مستقیم، زیان دیده باشند. هر گونه تحولی در این استنباط مستلزم پویایی رویه در کشور است. ضمن آنکه ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹ جمهوری اسلامی ایران، نیز اشعار می دارد: «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده آنان رسیدگی به دعا را برابر قانون درخواست کرده باشد.» بنابراین، نه تنها باید شخص یا اشخاصی دعا را طبق قانون طرح کرده باشند، بلکه، علاوه بر آن، باید ذی نفع در دعا نیز باشند؛ در غیر این صورت دعویشان قابلیت استماع ندارد.

گفتیم که منظور از ذی نفع در قانون آیین دادرسی مدنی این است که خواهان به طریقی از نتیجه دعا در صورت محکومیت خوانده به طور شخصی و مستقیم و قانونی منتفع و بهره مند شود. رأی شماره ۲۳۴ یکی از شعب دیوان عالی کشور، مورخ ۱/۱۳/۱۳۷۵، بر اساس معیاری صادر شده است که همین نکته را به ذهن متبادر می سازد. اصولاً دعا باید به طرفیت شخصی مطرح شود که مستقیم از آثار دعا منتفع یا متضرر می شود (صادقی و جوهری، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

برای احراز سمت در محاکم اروپایی ملاک هایی نظیر لزوم مسئولیت و نگرانی مستقیم و شخصی مطرح است. نگرانی مستقیم تعبیر به ارتباط مستقیمی شده است که باید بین اقدام و صدمه یا آسیبی که خواهان متحمل شده برقرار باشد. ملاک دیگر احراز سمت، یعنی نگرانی و مسئولیت شخصی، اولین بار در اتحادیه اروپا در پرونده Plaumann مطرح شد. این پرونده هنوز هم مرجع راهنما برای نحوه تعیین و احراز نگرانی شخصی است. طبق قاعده مزبور، خواهان ها باید ثابت کنند که این اتفاق آن ها را به دلیل ویژگی های خاصی که مختص آن هاست یا شرایطی که آن ها را از سایرین متمایز می سازد متأثر ساخته است و آنان را به طور شخصی برای طرح دعا متمایز می کند.^۲

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید: شمس، ۱۳۸۵: ۲۹۴-۲۹۸.

۲. ملاک Plaumann رویکردی بسیار محدود به سمت را شکل داده که موجب بحث های چالشی علمی و نقدهای

شرط منافع شخصی برای سمت داشتن در دادگاه مدنی در برخی کشورها ضروری است. در این سیستم‌های حقوقی اقدامات به منظور منافع جمعی، که از سوی یکی از اعضای گروه یا شخص ثالث (از جمله اشخاص حقوقی) به نمایندگی از طرف گروه طرح می‌شود، با دشواری روبه‌روست. بدین روی، چنین دادخواهی‌هایی در برخی کشورها، مانند مجارستان، امکان‌پذیر نیست (Policy department, European parliament, 2012: 14). بدیهی است دعوا برای منافع جمعی باید از اقدام برای منافع عمومی و پراکنده متفاوت دانسته شود. در دعاوی مبتنی بر منافع جمعی، در مواردی که افراد متعدد از تخریب محیط زیست آسیب می‌بینند،^۱ بسیاری از کشورها به یک یا تعدادی از اعضای گروه، که آسیب مشابهی متحمل شده‌اند یا مبنای مشترکی برای طرح دعوا دارند، اجازه می‌دهند به طرح دعوی صنفی یا جمعی اقدام کنند (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۶۱). در این روش دادخواست‌دهندگان از جانب خود و سایرین (به تعبیری به نمایندگی از سایرین) اقدام قضایی را شروع می‌کنند و سپس از سایرین می‌خواهند به آنان ملحق شوند. در امریکا و هند چنانچه وقایع خاصی حقوق اساسی را نقض کنند، محاکم امکان طرح دعوی جمعی را به مثابه ابزاری برای اجرای حق اساسی بر محیط زیست، اعطا می‌کنند. در بلژیک، سازمان‌های خاص مجاز به تعقیب منافع شخصی اعضای خود به نحو جمعی هستند؛ مثلاً اتحادیه‌های کارگری و اتحادیه‌های تجاری. جدا از این مثال‌ها، امکانات دادخواهی منافع جمعی در بلژیک محدود شده است (Policy department, European parliament, 2012: 57). وضعیت مشابهی در فرانسه وجود دارد. در فرانسه، اتحادیه‌های تجاری ممکن است دعوایی از طرف اعضای خود طبق ماده 3-2132 L. قانون استخدام فرانسه اقامه کنند.^۲ دیوان عالی کشور فرانسه، به منظور تشویق اقدامات انجمن‌ها برای حفاظت از منافع جمعی، راه را برای چنین دادخواهی‌هایی باز کرده است (دعای منفعت جمعی و نه منافع عمومی). در واقع، دیوان عالی اجازه می‌دهد حتی اگر انجمنی برای طرح دعوا به منظور منفعت جمعی وفق مقررات مجاز نباشد یا مقررات صریحی در اساسنامه انجمن موجود نباشد، بتواند دعوی خود را طرح کند؛ مشروط به اینکه حمایت از منفعت جمعی درون اهداف منتج از اساسنامه بگنجد. بر همین اساس، به انجمن حفاظت از محیط زیست اجازه داده شد درخواست تخریب یک ساختمان را

فراوان، حتی در خود دادگاه‌های اتحادیه اروپا، شده است (به نقل از: Policy department, European parliament, 2012: 55).

۱. در دعاوی زیست‌محیطی، که به اشخاص خاص صدمه وارد نشده است، به منافع عمومی صدمه وارد می‌شود.
 ۲. در فرانسه اتحادیه‌های کارگری دعوا را بدون تأیید یا درخواست شخص کارگر برای حفاظت از منافع فردی کارگر مطرح می‌کنند. این قبیل اقدامات نمی‌تواند در دعاوی منفعت جمعی دسته‌بندی شوند. زیرا اتحادیه دعوا را فقط برای نفع شخصی کارگر طرح می‌کند. این رویکرد خاص کشور فرانسه است (به نقل از A comparative study on legal standing (locus standi) before the EU and member states courts, 2012, policy department, European parliament, p 8).

به دلیل مغایرت با طرح برنامه‌ریزی شهری ارائه کند.^۱ در مقابل، نظام‌های حقوقی دیگر در این موضوع این میزان مضیق عمل نمی‌کنند. حتی نظام حقوقی انگلستان و ولز گسترده‌ترین برداشت را از سمت در طرح دعوی به نمایندگی و دعوی گروهی ارائه می‌کند.

از سوی دیگر، علاوه بر امکان طرح دعوی مبتنی بر منافع جمعی، یک شهروند باید بتواند، در مقام ذی‌نفع، در موضوعات مربوط به منافع ملی (عمومی) اقدام کند (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۶۶). *popularis actio* یعنی دادخواهی برای منافع ملی یا عمومی یا منافع پراکنده، متمایز از منافع جمعی، حتی مشکل‌سازتر از دادخواهی منافع جمعی در دادگاه‌های مدنی‌اند و نظام‌های حقوقی مختلف در برابر آن ایستادگی می‌کنند. اگر هم برای طرح این دعوی اجازه داده شود، ممکن است این دعوی فقط از سوی مقاماتی چون دادستان کل (همچون کشورهای فرانسه و مجارستان) اقامه شود. در هلند نیز چنین است؛ البته با برخی استثنائات. به‌علاوه، در سوئد بازرس‌های حوزه حقوق مصرف‌کنندگان و برخی سازمان‌ها ممکن است دعوی مبتنی بر منفعت عمومی را طرح کنند. طرح دعوی مربوط به منفعت عمومی در بلژیک ممنوع اعلام شده است؛ هرچند برخی قوانین خاص برای گروه‌های خاص حق دفاع از منافع عمومی را به طور جمعی اجازه می‌دهد (ضد تبعیض، مسائل زیست‌محیطی، خشونت میان شرکا). البته این مقررات به دلیل کمبود بودجه و عدم امکان جبران به‌ندرت اجرا می‌شوند. بی‌میلی برای طرح دعوی مربوط به منفعت عمومی در انگلستان و ولز، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، لهستان، ترکیه، و مجارستان نیز وجود دارد.^۲ دیوان عالی پاکستان در قضیه شیلا ضیاء و سایرین حق بر محیط زیست سالم را برای همه شهروندان حقی بنیادین می‌داند. بدین روی اشخاصی که به طور مستقیم از وقایع آسیب ندیده‌اند نیز می‌توانند، اگر زیان‌دیده باشند، بر مبنای منفعت عمومی در این کشور طرح دعوا کنند (شیلتون و کیس: ۱۲۱).

در کشور ایران، دعوی با خواسته حق عمومی بسیار کم است. در سال ۱۳۸۲، به شکایت مهرناز عطری، مدیر سازمان غیر دولتی مهر ایران، رسیدگی شد.^۳ در این پرونده، شاکی از مال‌داران در که شکایت کرده بود که به دلیل شرایط سخت کاری برای حیوانات بارکش آن‌ها علاوه بر آزار دیدن بیمار شده‌اند و باکتری سالمونلا از طریق مدفوع این حیوانات در منطقه پخش شده و سبب گسترش بیماری میان مردم شده است. وی همچنین از سه ارگان دولتی به دلیل قصور در انجام دادن وظایفشان شکایت کرده بود. صرف پذیرفته شدن این شکایت در

1. Cour de cassation, 3rd Civil Chamber, 26 September 2007.

۲. در هلند دادستان کل در این نوع دعوی نقش‌آفرینی می‌کند؛ اگرچه امکان اعمال شرایطی که برای دعوی منفعت جمعی وجود دارد برای دعوی منفعت عمومی هم در برخی موارد پیش‌بینی شده است (به نقل از A comparative study on legal standing (locus standi) before the EU and member states courts, 2012, policy department, European parliament, p 60).

۳. در شعبه ۱۰۵۶ مجتمع قضایی شهید مدرس تهران.

دادگاه نشان دهنده این است که یک سازمان غیر دولتی یا یک شخص حقیقی نیز تا قبل از تصویب قوانین یادشده می‌توانست به طرح دعوا در زمینه حقوق عمومی زیست‌محیطی بپردازد. گفته می‌شود منطق ایجاب می‌کند جلوی طرح سؤال و اقامه دعوا از سوی کسانی که موضوع به واقع به آن‌ها مربوط نیست گرفته شود. مبنای نظریه سمت مبتنی بر آن است که این نظریه از هرج و مرج اداری ناشی از تجویز دعاوی مبتنی بر منفعت عمومی جلوگیری می‌کند. امروزه این قبیل توجیحات در زمینه نظریه سمت رد شده است؛ زیرا محاکم بی‌نیاز از استناد به قواعد سمت به شکلی از ادامه دعوا خودداری می‌ورزند. اینکه ادعا می‌شود اگر افراد غیر زیان دیده هم بخواهند حق اقامه دعوا داشته باشند، محاکم در هجوم دعاوی غرق خواهند شد یک سوی ماجراست.^۱ اما باید توجه داشت که از سوی دیگر اگر به کسی امکان طرح دعوا را ندهیم، در واقع، به سادگی اجازه ادامه تخلف را به صرف فقد زیان دیده مستقیم و شخصی فراهم کرده‌ایم. در دنیای مدرن امروز امکان غرق شدن محاکم در دریای دعاوی کم است. زیرا هزینه‌های رسیدگی به نحو مؤثر مانع شهروندان در طرح دعاوی مرتبط با منفعت عمومی می‌شود.

علاوه بر حوزه داخلی کشورها، در عرصه بین‌المللی نیز موضوع سمت در طرح دعاوی از ناحیه کشورهای بی‌که مستقیم زیان ندیده‌اند، در دعاوی زیست‌محیطی، محل بحث است (ضیایی، ۱۳۹۳). در پرونده بارسلونا تراکشن، درباره اینکه کشور طرف یک کنوانسیون، حتی در صورت عدم ایراد خسارت به خودش، در نتیجه نقض مقررات کنوانسیون توسط کشوری دیگر سمت طرح دعوا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری را دارد یا نه تصمیم‌گیری شد. دیوان در این رأی اعلام کرد بین دو دسته از تعهدات بین‌المللی، که یک کشور بر عهده می‌گیرد، باید تمایز قایل شد: تعهدات یک کشور در قبال اجتماع بین‌المللی در کل و تعهداتی که کشوری در قبال کشور دیگر در حوزه حمایت دیپلماتیک در رابطه با رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی یا اتباع بیگانه می‌پذیرد. بر مبنای همین تمایز دیوان مقرر کرد: «تعهدات در قبال کل اجتماع بین‌المللی به واسطه ماهیتی که دارند به همه کشورهای مربوط می‌شود. از حیث اهمیت حقوق مربوطه، می‌توان گفت همه کشورهای در حمایت از این حقوق دارای نفع حقوقی‌اند. این تعهدات را تعهدات عام‌الشمول می‌نامند.»^۲

1. If one man may have an action, for the same reason a hundred thousand may" and the courts would be flooded with claims (Ibid: 61).

۲. مفهوم تعهد عام‌الشمول نخستین بار در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن در سال ۱۹۷۰ مورد شناسایی قضایی قرار گرفت (به نقل از ضیایی، ۱۳۹۴).

ب) دعاوی زیست‌محیطی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران: نحوه

احراز سمت

جوامع مدرن پذیرفته‌اند که توسعه جامعه بشری به تدریج بر نقش محیط زیست و کیفیت آن تأثیر گذاشته است. از همین روی، در سیاست‌های زیست‌محیطی و مقررات خود اضطراب ناشی از پیامدهای فاجعه‌های زیست‌محیطی را به صورت مدون بروز داده‌اند. بازیابی تعادل زیست‌محیطی منوط به برقراری مقررات خاص در این زمینه است. یکی از حوزه‌های نیازمند این قواعد خاص سمت و گستره شمول آن است. در این بخش رویکرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا و خود اتحادیه، با توجه به مقررات کنوانسیون آرهوس، به‌ویژه در احراز سمت و مقررات ایران، بررسی می‌شود.

۱. حقوق ایران

تعبیر جالبی که یکی از صاحب‌نظران (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۴) بدان اشاره می‌کند این است که جرایم علیه محیط زیست مجنی‌علیه قربانی خاموشی است که امکان اعلام شکایت یا دادخواهی ندارد. چنانچه زیانی مستقیم به اشخاص وارد نشود و فقط محیط زیست موضوع جرم قرار گیرد، در اغلب سیستم‌های حقوقی، در نظر اول، تنها فردی که می‌تواند اقامه دعاوی کند دادستان است.^۱ امکان طرح دعوا در محاکم برای اشخاص حقیقی در چنین مواردی به‌صراحت در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته نشده است.^۲ اگرچه بنا بر اصل ۳۴ قانون اساسی و به رسمیت شناختن حق افراد برای دادخواهی این حق در نظام حقوقی ما وجود دارد، اجرای این اصل نیز با مانع احراز سمت برخورد می‌کند. درخصوص امکان طرح دعوا از ناحیه اشخاص حقوقی خصوصی آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی مصوب ۱۳۸۴ وجود دارد که مقرر می‌کند این سازمان‌ها متناسب با موضوع فعالیت خود و برای حمایت از منافع عمومی حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی را دارند (ماده ۱۶ آیین‌نامه) (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۲۰). ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز برای سازمان‌های مردم‌نهاد، جهت حمایت از محیط زیست، حق اعلام جرم و

۱. ماده ۱۱ کنوانسیون حمایت از محیط زیست از طریق حقوق کیفری به سازمان‌های غیر دولتی زیست‌محیطی، در مقام ذی‌نفع، سمت طرح دعوا اعطا کرده است (به نقل از رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

۲. نقص قوانین در پیگیری قضایی تخلفات زیست‌محیطی، به‌ویژه تخلفات صورت‌گرفته از سوی نهادهای دولتی، یکی از چالش‌های مهم در زمینه حفاظت از محیط زیست است (جهت مطالعه بیشتر بنگرید: عبداللهی و فریادی، ۱۳۸۹).

مراجعه قضایی را به رسمیت شناخته است.^۱ از آنجا که در متن ماده مزبور، علاوه بر امکان اعلام جرم، شرکت در مراحل رسیدگی و اقامه دلیل و اعتراض نیز برای سازمان‌ها تجویز شده است، می‌توانیم باور داشته باشیم که سازمان‌های غیر دولتی از سوی قانون‌گذار در حوزه‌های پیش‌بینی‌شده در این ماده حائز سمت و ذی‌نفع برای طرح دعوا قلمداد شده‌اند. چنانچه مستتر بودن مفهوم توسعه پایدار را در قانون اساسی خود بپذیریم (اصل ۵۰)، باید تفسیر متناسب با آن را در قوانین مختلف مرتبط با محیط زیست وفق نظر فوق مدنظر قرار دهیم.

اگرچه سازمان حفاظت محیط زیست علیه کسانی که به آلودگی یا تخریب محیط زیست می‌پردازند اقدام می‌کند، این نقش در عمل عمدتاً محدود به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی، آن هم به شکلی ضعیف و به شرط فراهم شدن امکان عبور از موانع قانونی یا موانع نامرئی موجود، است. این سازمان از زیرساخت‌های کافی و مؤثر نظارتی به منظور اجرای ضوابط زیست‌محیطی در نهادها و تشکیلات دولتی و بخش خصوصی برخوردار نیست.

همان‌طور که اشاره شد، بحث سمت در طرح دعوی زیست‌محیطی یکی از مباحث محل تأمل و مناقشه است.^۲ در نظام قضایی ایران، تخلف از حقوق زیست‌محیطی به طور عام برای شهروندان، به خودی خود، مبنایی برای طرح دعوا در محاکم قضایی تلقی نمی‌شود،^۳ بلکه باید جرمی روی داده باشد و شاکی خصوصی وجود داشته باشد یا به لحاظ حقوقی باید در پرتو مقررات مسئولیت مدنی، از جمله ماده ۱ «قانون مسئولیت مدنی» مصوب ۱۳۳۹، در مقام زیان‌دیده اقامه و مطالبه شود (حبیبی: ۱۶۲). در نتیجه، چنانچه این افراد امکان طرح دعوا علیه متخلفان را نداشته باشند و نهادهای دولتی هم به هر دلیل مایل به پیگیری حقوقی موضوع نباشند، راه برای طرح دعوا از ناحیه سایر افراد و شهروندان یا نهادهای غیر دولتی با دشواری روبه‌روست.^۴ این همان مشکلی است که در نظام قضایی هند، با طرح نظریه «دادخواهی به نفع

۱. تبصره ۱ ماده مزبور مقرر می‌دارد در صورتی که جرم مجنی‌علیه خاص داشته باشد، این کار منوط به جلب رضایت وی خواهد بود.

۲. دادخواهی بر مبنای منافع عمومی برای جلوگیری، کاهش، زدودن، یا برای جبران آسیب‌های وارده بر محیط زیست از اوایل دهه ۱۹۷۰ شروع شد و افزایش یافت (The Scenic Hudson case (Scenic Hudson) Preservation Conference v Federal Power Commission 407 US 9256, 92 S Ct 2453 (1972) به نقل از: Hon. Justice Brian J Preston, Environmental Public Interest Litigation: Conditions for Success, International Symposium towards an Effective Guarantee of the Green Access: Japan's Achievement and Critical Points from a Global Perspective, 2013, Awaji Island, Japan).

۳. اگر جرمی روی دهد، امکان ارائه گزارش به دادستان برای پیگیری فراهم می‌شود. ولی اگر آنچه روی داده در مفاهیم و تعاریف قانون مجازات نگنجد، طرح دعوا و شناسایی این حق برای همه شهروندان در نظام حقوقی ایران با دشواری روبه‌روست؛ برخلاف دادگاه اروپایی حقوق بشر اتحادیه اروپا که برای اتباع و غیر اتباع این امکان را فراهم آورده است.

۴. در سال ۱۳۸۳ چند شعبه دادرسی ناحیه ۱۹ در تهران به صورت اختصاصی به امور زیست‌محیطی اختصاص

عموم^۱، برطرف شده است. در حقوق فرانسه نیز منفعت عمومی داشتن از ویژگی‌های حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود (مشهدی، ۱۳۹۲: ۸۰). مطابق این رویه، هر شخص، اعم از حقیقی و حقوقی، می‌تواند برای جلوگیری از تخریب محیط زیست به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند، گرچه خود در مقام شاکی خصوصی جزء ضرردیدگان اصلی نباشد، و از این طریق به جای افراد تهی‌دست اقدام به دادخواهی کند.^۲ مزیت دوم این روش آن است که می‌تواند کم‌کاری نهادهای دولتی را در مبارزه با آلودگی محیط زیست جبران کند (ارشدی: ۷). اما متأسفانه به نظر می‌رسد نظام قضایی ایران فاقد چنین امکانی است. زیرا یکی از شرایط اصلی طرح دعاوی حقوقی ذی‌نفع و دارای سمت بودن، بنا بر شرایط مطروحه یادشده، است. حتی در برخی موارد رویه قضایی ایران تمایل دارد، به جای رعایت نص قانون در حفاظت از محیط زیست، به دفاع از تولیدکننده یا کارخانه‌دار یا ارگان آلوده‌کننده بپردازد؛ آن هم با توجهاتی از قبیل جلوگیری از تعطیلی کارخانه و بی‌کاری کارگران یا لزوم صرف منابع هنگفت مالی جهت رفع مشکلات. نحوه رسیدگی و نتیجه‌گیری در پرونده‌های مختلف مطروحه در دستگاه قضایی این موضوع را به روشنی نشان می‌دهد.^۳

۲. رویکرد اتحادیه اروپا و کشورهای عضو

پیش‌تر اشاره شد که تشخیص مجنی‌علیه در جرایم محیط زیست دشوار است. زیرا مجنی‌علیه

یافت. مطالعات نشان می‌دهد در اکثر پرونده‌ها قرار منع تعقیب صادر می‌شده است (به نقل از پیری و قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۰۹).

1. Public Interest Litigation

۲. در ایالات متحده آمریکا، دعوی دولت علیه دانشجویان معترض به قانون‌گذاری آژانس (SCRAP) نقطه عطفی در زمینه سمت در حوضه محیط زیست به شمار می‌رود. (جهت مطالعه بیشتر بنگرید: جم، ۱۳۸۷).

۳. نمونه آن دعوی آلودگی ناشی از کارخانه قند میاندوآب، در تاریخ ۱۳۶۵، است که با این قبیل تحلیل‌ها به صدور قرار منع تعقیب منجر شد. اطلاع دادرسی و فقدان قضات متخصص در این حوزه موجب عدم احراز وقوع جرم می‌شود. برخی پرونده‌های آلودگی محیط زیست، مانند پرونده آلودگی ناشی از صنایع شیمیایی پارچین و آلوده شدن رودخانه جاجرود و کارخانه باتری‌سازی نیرو در منطقه پاسداران تهران، بیش از دو دهه زمان برد (به نقل از ارشدی: ۱۰-۱۱). از دیگر موارد می‌توان به شکایت اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران علیه شرکت صنعتی ایران خودرو به دلیل آلودگی شدید هوای منطقه شهرک دانشگاه، به واسطه استقرار فعالیت بخش ریخته‌گری در آن منطقه، اشاره کرد. همچنین، رسیدگی به تخلفات مدیر عامل شرکت عمران شهر جدید پردیس، به دلیل عدم نصب سیستم تصفیه فاضلاب انسانی، که به آلودگی زمین‌های زراعی و منابع آبی اطراف منجر شده بود، در سال ۱۳۷۷ شروع شد. اما در سال ۱۳۸۰، به دلیل عدم انتساب جرم، به صدور حکم تبرئه مشتکی‌عنه انجامید. این حکم در سال ۱۳۸۱ در دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد.

اصلی شخصیت حقیقی و حقوقی ندارد؛ ضمن آنکه ارزش محیط زیست ذاتی است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

به طور کلی، به موجب قواعد حقوق خصوصی، فقط اشخاص حقیقی و حقوقی، در مقام دارندگان حق، سمت طرح دعوا را دارند؛ مشروط به اینکه منافع شخصی مستقیم در دعوا داشته باشند (این ادعا باید مزیت مؤثر و ملموس یا اخلاقی و معنوی برای مدعی نگرانی در بر داشته باشد) (policy department, European parliament, 2012: 13). مدعیانی که این منافع را در دعوا ندارند عموماً، با استناد به فقد سمت، دعوایشان پذیرفته نمی‌شود.^۱

۲. ۱. احراز سمت و حق مراجعه به محاکم در اتحادیه اروپا

ابتدا ملاک‌های احراز سمت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و سپس امکان طرح دعوا در محاکم از سوی سازمان‌های مردمی و شهروندان و مقامات دولتی در زمینه صدمات زیست‌محیطی بررسی می‌شود. بیان شد که در زمینه ملاک‌های احراز سمت سیستم‌های حقوقی مبتنی بر منافع، معمولاً، نیاز به احراز منافع مستقیم و واقعی و خاص را ضروری می‌دانند. با مقایسه این ملاک‌ها و نص معاهده اتحادیه اروپا می‌توان گفت این ملاک‌ها از تفسیر دادگاه‌های اتحادیه اروپا در خصوص معیار ماده ۲۶۳(۴) TFEU^۲ ساده‌تر است.^۳ قبل از ماده ۲۶۳، وفق ماده ۲۳۰ معاهده اتحادیه اروپا^۴ اشخاص باید نگرانی مستقیم و شخصی خود را اثبات می‌کردند تا بتوانند علیه اقدامات اتحادیه اروپا، که خطاب به ایشان نبود، اقامه دعوا کنند. دیوان دادگستری اروپا از تغییر دادن و تلطیف کردن رویکردش در زمینه سمت در موقعیت‌های مختلف، با وجود انتقادهای همه‌جانبه، خودداری می‌ورزید. حتی در سال ۱۹۹۹ سی‌هارلو در مقاله خود، با عنوان «دسترسی به عدالت به عنوان حقوق بشر»، رویکرد حقوق موردی^۵ را در زمینه سمت فردی، به دلیل بیش از حد محدود و اشتباه و حتی کاملاً متناقض بودن، محکوم کرد. با بازنگری ماده احراز سمت اشخاص خصوصی، علاوه بر ملاک‌های نگرانی شخصی و مستقیم، ملاک دیگری نیز در ماده ۲۶۳(۴)^۶ مطرح شد. این ملاک اشعار می‌دارد که یک

۱. باید توجه داشت که احراز سمت قانونی برای سازمان‌های ثبت‌نشده، فاقد شخصیت حقوقی، به‌ویژه در محاکم مدنی، از این نیز بسیار دشوارتر است.

2. Treaty on the Functioning of the European Union.

3. <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:12008E263:EN:HTML>.

4. EC Treaty Article 230.

5. C-263/02 Jego-Quere v Commission [2004] ECR I-03425.

6. Article 263 (ex Article 230 TEC).

The Court of Justice of the European Union shall review the legality of legislative acts, of acts of the Council, of the Commission and of the European Central Bank, other than recommendations and opinions, and of acts of the European Parliament and of the European Council intended to produce legal effects vis-à-vis third parties. It shall also review the legality of acts of bodies, offices or agencies of the Union intended to produce legal effects vis-à-vis third parties.

It shall for this purpose have jurisdiction in actions brought by a Member State, the European

شخص حقیقی یا حقوقی ممکن است اقدامی نظارتی^۱ را به چالش بکشد که نگرانی مستقیم در وی ایجاد می کند و احراز نگرانی مستلزم اجرای آن اقدام نظارتی نیست.^۲ با وجود ظاهر جدید و تغییرات به عمل آمده، ملاک نگرانی مستقیم به مثابه یک ملاک همچنان باقی ماند (Collins, 2015). اولین پرونده مطرح شده بعد از این تغییر پرونده *Inuit Tapiriit Kanatami v European Parliament* در رابطه با تجارت محصولات مهوروموم شده و ابطال مقررات شرایط مجاز بازار بود.^۳ دادگاه در این پرونده نتیجه گرفت، با توجیه لزوم احترام به قانون گذاری و مشروعیت اتحادیه اروپا، تا حدی احراز سمت اشخاص با محدودیت همراه شود. بنابراین، دادگاه در این پرونده، در زمینه احراز سمت، به دلیل عدم احراز وجود ملاک نگرانی شخصی در خواهان ها، دعوا را از سوی ایشان قابل طرح ندانست.^۴ بر اساس ملاک عمل نظارتی می توان نتیجه گرفت قوانین مصوب توسط پارلمان اروپا یا شورای اروپا در مقابل طرح دعوی ابطال از مصونیت بالاتری برخوردارند. زیرا خواهان فاقد تمایز خاص، علاوه بر نگرانی مستقیم، نیازمند اثبات نگرانی شخصی نیز هست.^۵

Parliament, the Council or the Commission on grounds of lack of competence, infringement of an essential procedural requirement, infringement of the Treaties or of any rule of law relating to their application, or misuse of powers.

The Court shall have jurisdiction under the same conditions in actions brought by the Court of Auditors, by the European Central Bank and by the Committee of the Regions for the purpose of protecting their prerogatives.

Any natural or legal person may, under the conditions laid down in the first and second paragraphs, institute proceedings against an act addressed to that person or which is of direct and individual concern to them, and against a regulatory act which is of direct concern to them and does not entail implementing measures^۶

1. Regulatory act
2. a natural or legal person may challenge a regulatory act which is of direct concern to them and does not entail implementing measures

۳. اقدام نظارتی در TFEU تعریف نشده و عقیده اعمال نظارتی در اعمال واگذار شده رد شده است.

۴. در پرونده *Microban* نیز ابتدا دوباره تعاریف مطرح شده از ملاک عمل نظارتی تأیید شد. در واقع، به زعم نویسندگان در این آرا بیشتر بر شکل عمل تمرکز شد تا ماهیت. اما در نهایت بر مبنای اینکه کمیسیون مزبور حق نداشت در مورد سلامت عمومی مقرره ای را وضع کند، رأی به ابطال تصمیم مورد اعتراض صادر شد.

۵. دامنه و تعریف ملاک «عمل نظارتی» حائز اهمیت است. زیرا مشخص می کند اشخاص می توانند مستقیم علیه نهادهای اتحادیه اروپا اقامه دعوا کنند یا فقط از طریق محاکم و مراجع ملی قادر به این کار خواهند بود. قلمرویی که برای این ملاک تعیین می شود به واقع مشخص کننده میزان مراجعه به محاکم ملی و دادگاه قضایی اروپا و همچنین حمایت قضایی مؤثر اعطایی به اشخاص است. با پذیرش یک مفهوم وسیع تر از سمت گستره حمایت از اشخاص نیز گسترده تر می شود. اما خطری که این اقدام می تواند در پی داشته باشد گشودن درهای محاکم برای طرح دعوی ابطال اقدامات مأخوذه از سوی نهادهای اتحادیه بر مبنای منافع خاص است تا بتوانند از مشروعیت بهره مند شوند. مضاف بر آنکه مراجعه به محاکم ملی به منزله مانع اولیه بازدارنده در طرح دعوی از سوی اشخاص فاقد سمت کاهشی چشمگیر خواهند یافت. زیرا با گسترش مفهوم سمت اکثر دعوی مستقیم در اتحادیه اروپا طرح خواهد شد (به نقل از: <http://europeanlawblog.eu/?p=1456>, 17 January, 2013).

هیچ امکانی برای دفاع از منافع عمومی، یعنی نفع یا منفعی که منتسب به گروه یا اشخاص خاصی نیست، نزد دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، به دلیل تفسیر مضیق این محاکم از مفهوم سمت، وجود ندارد.^۱ ماهیت دعاوی محیط زیست به گونه‌ای است که امکان اثبات متأثر شدن به طور متمایز از سایرین و عبور از ملاک نگرانی شخصی را ناممکن می‌کند. زیرا هدف از طرح این دعاوی حفاظت از کالا یا منفعی است که به طور کلی متعلق به جامعه است (Policy department, European parliament, 2012: 39).

با ملاحظه حقوق موردی می‌توان ادعا کرد در اتحادیه اروپا در محضر دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU) سه حالت برای امکان طرح دعا از سوی گروه‌های فعال در حوزه منفعت عمومی قابل تصور است: الف) هنگامی که مقررات قانونی حق مداخله در دادرسی را به این انجمن اهدا می‌کند؛ ب) هنگامی که یکی از اعضای انجمن به طور مستقیم و به صورت شخصی نگران و مسئول است؛ و ج) هنگامی که منافع انجمن و به خصوص موقعیت انجمن تحت تأثیر قرار گیرد (Policy department, European parliament, 2012: 42). می‌توان گفت تحقق هر یک از این شرایط به ندرت اتفاق می‌افتد.

از سوی دیگر، در اکثر نظام‌های حقوقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا دسترسی به دادگاه‌های اداری برای هر کسی که در دعا وجود «منافع کافی» را برای خود نشان دهد امکان‌پذیر است. فقط نظام حقوقی آلمان است که مقرر می‌دارد خواهان‌ها در طرح دعاوی اداری باید نقض «حق عمومی ماهوی خود» را اثبات کنند تا دارای سمت به شمار روند و محاکم این ملاک را به دقت بررسی می‌کنند. به نظر نمی‌رسد اصل حمایت قضایی مؤثر تأثیری قابل توجه در عملکرد دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حوزه محیط زیست گذاشته باشد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی عضو کنوانسیون دسترسی به دادگاه‌ها در زمینه حقوق محیط زیست افزایش یافته است.^۲ با این حال، قانون آلمان بنا بر دلایلی

۱. توصیه پیشنهادی شماره ۲۰ (۲۰۰۴) کمیته وزرای شورای اتحادیه اروپا در بررسی قضایی اعمال اداری اذعان داشت کشورهای عضو باید تشویق شوند بررسی کنند آیا دسترسی به رسیدگی‌های قضایی برای انجمن‌ها یا سایر اشخاص و نهادها به منظور محافظت از منافع جمعی یا جامعه وجود دارد یا خیر؟. به نقل از: (Iskoyan, Aida, The issue of LOCUS STANDI of NON GOVERNMENTAL ORGANIZATIONS in the sphere of environmental protection (CONSTITUTIONAL-LEGAL ANALYSIS), p 269, available at: http://www.yasu.am/files/Aida_Iskoyan-1415703186-.pdf

۲. در قانون مدیریت زیست‌محیطی ملی آفریقای جنوبی، موسوم به NEMA، نیز به طور قابل توجه فرصت دادخواهی بر مبنای منافع عمومی در حوضه محیط زیست پیش‌بینی شده است. پرونده Tergniet and Toekoms Action Group v Outeniqua Kreosootpale (Pty) Ltd (Case 10083/2008 (C) 23 January 2009) در کشور آفریقای جنوبی در زمینه سمت قابل ملاحظه است. خواهان اول پرونده یک انجمن داوطلبانه مردمی بود که منافع ساکنان دو منطقه را مطرح کرد. همچنین پرونده 'McCarthy v Constantia Property Owners' Association (۱۹۹۹) و پرونده Laskey v Showzone CC را ببینید (به نقل از: Kidd, Michael, and Public

که خواهد آمد چندان با الزامات کنوانسیون آرهوس منطبق نیست. در مقابل، کشورهایی نظیر انگلستان و ولز و لهستان تردید دارند که استفاده از معیارهای سمت با مفهوم و دایره شمول گسترده تر در قوانین داخلی ایشان منطبق بر الزامات کنوانسیون باشد (Roller, 2010: 30).

در سطح اتحادیه اروپا، برخی تلاش‌ها به منظور بهبود دسترسی به عدالت با استفاده از قوانین طراحی شده است؛ از جمله تدوین دستورالعمل EC / 2003/35 اتحادیه اروپا درباره دسترسی به عدالت در زمینه پرونده‌هایی که به احتمال زیاد تأثیری قابل توجه بر محیط زیست دارند.

به موجب کنوانسیون آرهوس به سازمان‌های غیر دولتی دسترسی گسترده‌تری به عدالت در مسائل زیست‌محیطی در سطح ملی اعطا شده است. اما وقتی از دسترسی به عدالت در سطح اتحادیه اروپا سخن به میان می‌آید، وضعیت حقوقی نسبت به قبل از الحاق به کنوانسیون آرهوس تغییر چندانی نکرده است. بدین روی، هنوز برای یک سازمان غیر دولتی عملاً ناممکن است به طور مستقیم و به صورت جداگانه در مسائل زیست‌محیطی نگران و صاحب سمت محسوب شود (4: Mejjstad). در همه نظام‌های ملی اعضای اتحادیه اروپا، به غیر از آلمان و مجارستان، انجمن‌ها به همین شکل در دفاع از منافع عمومی صاحب سمت شناخته می‌شوند. در سیستم‌های حقوقی خاص، همچون آلمان و ایتالیا و سوئد، انجمن‌ها جهت داشتن سمت ملزم به ثبت شخصیت یا مجبور به داشتن حداقل معیارهای مقرر قانونی برای این منظورند. در برخی نظام‌ها در زمینه اینک اعمال چنین ملاک‌هایی درباره سمت منطبق بر کنوانسیون آرهوس هست یا خیر تردید وجود دارد. سازمانی که نماینده منافع یک گروه است در اتحادیه اروپا به جز کشورهای آلمان و مجارستان حائز سمت محسوب می‌شود. در برخی کشورها برای احراز سمت در طرح دعاوی منافع جمعی چنان سازمانی باید شخصیت حقوقی داشته و به بیان دیگر وفق مقررات قانونی ثبت شده باشد (مثلاً ایتالیا)؛ در حالی که در کشورهای دیگر (مثلاً انگلستان و فرانسه) رعایت این شرایط مورد نیاز نیست (policy department, European parliament, 2012: 15).

مشاهده می‌شود که در فرانسه در حوزه کیفی در مواد ۱ تا ۲ تا ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفی مقررات جامعی در حمایت از انجمن‌ها مصوب شده است.^۱ غیر از فرانسه، که در آن مقامات دولتی فقط در دادگاه‌های اداری دارای سمت هستند، مقامات دولتی در

interest environmental litigation: recent cases raise possible obstacles, PER / PELI, ISSN 1727-3781, (Available at: <http://www.saflii.org/za/journals/PER/2010/38.pdf>)

۱. مضاف بر قانون آیین دادرسی کیفی در حقوق محیط زیست و حقوق مصرف‌کنندگان به انجمن‌های مرتبط، سمت حقوقی برای پیگیری امور در مراجع اداری و قضایی داده شده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

نظام‌های حقوقی دیگر ممکن است علاوه بر محاکم اداری در دادگاه مدنی نیز دارای سمت در نظر گرفته شوند.^۱

دستورالعمل EC/۳۵/۲۰۰۴، دربارهٔ مسئولیت زیست‌محیطی، حق انجمن‌ها را با اعطای امکان ارائه درخواست به مقامات دولتی، برای اقدام علیه آسیب‌های زیست‌محیطی یا خطر قریب‌الوقوع ورود آسیب، تقویت می‌کند (ماده ۱۲). اگر مقامات تصمیمی دربارهٔ درخواست مزبور اتخاذ نکنند یا عمل درخواست‌شده را انجام ندهند، انجمن وفق مفاد ماده ۱۳ دستورالعمل حق درخواست فرایند بررسی را در دادگاه خواهد داشت. اگرچه ممکن است در نگاه اول به نظر برسد این حق درخواست دادرسی برای انجمن تا حدی به دسترسی گسترده‌تر به قوانین عدالت کنوانسیون آرهوس و دستورالعمل اجرایی آن کمک می‌کند، دامنهٔ اجرایی این دو متفاوت است.^۲ از سوی دیگر ماده ۱۳ دستورالعمل مسئولیت به کشورهای عضو اختیار می‌دهد که مفاد دستورالعمل را به نحوی اجرا کنند که به هیچ‌یک از مفاد قانون ملی ایشان مرتبط با دسترسی به عدالت لطمه نزنند. با این حال، تردیدهای فراوانی وجود دارد که آیا اجرای قانون ملی، که بعضاً مانع دسترسی انجمن‌ها به دادگاه‌ها به‌منزلهٔ شخص دارای سمت می‌شوند، با دستورالعمل مزبور منطبق است؟ زیرا معیارهای احراز سمت، اغلب، بر مبنای آسیب‌های زیست‌محیطی تدوین نشده‌اند؛ بلکه با حمایت از حقوق افراد به جای منافع عموم مرتبط‌اند. به بیان دیگر، قانون کشورهای عضو اتحادیه چنان شرایطی برای اقامهٔ دعوا از سوی انجمن‌ها تعیین می‌کند که اغلب محقق نمی‌شوند. شورای مشورتی آلمان مربوط به محیط‌زیست، که نهاد رسمی ارائهٔ مشاوره به وزارت محیط زیست آلمان است، در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد آلمان، با توجه به اینکه سمت را در طرح دعاوی مبتنی بر منافع عمومی در مسائل حفاظت از محیط زیست به رسمیت نمی‌شناسد، دچار عقب‌ماندگی است. با ملاحظهٔ تصمیمات دیوان دادگستری اتحادیهٔ اروپا، انجمن‌ها حق دخالت را، در صورتی که نتیجهٔ رسیدگی منافع جمعی را تحت تأثیر قرار دهد، دارند. این بدین معنا است که، برخلاف اشخاص، انجمن‌ها لازم نیست اثبات کنند جایگاه قانونی یا وضعیت اقتصادی آن‌ها یا هر یک از اعضای انجمن احتمالاً از نتیجهٔ دادرسی متأثر می‌شود.^۳ اما مشابه همین رویه در خصوص انجمن‌هایی که از منافع عمومی حمایت می‌کنند،

۱. در اغلب سیستم‌های حقوقی این واقعیت وجود دارد که هنگامی که مقامات دولتی در اهلیت‌های خصوصی و نه در زمینهٔ اعمال اهلیت دولتی (حاکمیتی) اقدام می‌کنند، معمولاً، یک پیش‌نیاز برای امکان طرح دعوا در دادگاه‌های حقوقی و احراز سمت قانونی مقامات دولتی بدین منظور مورد نیاز است.
۲. دستورالعمل مسئولیت شامل آزادی عمدهٔ ارگان‌های اصلاح‌شدهٔ ژنتیکی تحت دامنهٔ خود را پوشش می‌دهد؛ درحالی‌که آرهوس و مقررات مربوطه این نوع فعالیت‌ها را شامل نمی‌شود.
۳. رأی شمارهٔ SDVo-269 دادگاه قانون اساسی جمهوری ارمنستان در دسامبر سال ۲۰۰۰ نیز تأییدی بر همین نکات است (به نقل از: Iskoyan, Aida, op.cit, p 267).

مانند انجمن‌های زیست‌محیطی، وجود ندارد. دشوار است که بتوان اثبات کرد نتیجه دادرسی بر منافع انجمن تأثیرگذار است. زیرا این انجمن‌ها از منافع عمومی دفاع می‌کنند که قابل انتساب به گروهی خاص از اشخاص نیستند (Policy department, European parliament, 2012: 38-39). اگر یک انجمن زیست‌محیطی منافع خاصی ارائه نکند، گروه متشکل از اشخاص باید اثبات کنند که جایگاه قانونی یا وضعیت اقتصادی ایشان به احتمال زیاد از طریق نتیجه پرونده تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.^۱

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU) به منظور تطابق با کنوانسیون آرهوس باید سازمان‌های غیر دولتی زیست‌محیطی را، که بر اساس ماده ۱۱ مقررات آرهوس به صورت شخصی برای اقامه دعوی ابطال در برابر اقدامات مؤثر بر محیط زیست اتحادیه اروپا نگران‌اند، دارای سمت در نظر بگیرد. بدین منظور دیوان دادگستری اتحادیه اروپا ضرورتی ندارد که تفسیر فعلی خود را از مفهوم نگرانی فردی تغییر دهد؛ بلکه می‌تواند پاراگرافی به ماده ۲۶۳ TFEU^۲ از طریق بازنگری عهدنامه اضافه کند^۳ با این اثر که سازمان‌های غیر دولتی در جهت اجرای الزامات مقرر در ماده ۱۱ مقررات آرهوس به اثبات نگرانی‌های شخصی نیاز نداشته باشند.^۴ سازمان‌های غیر دولتی در مقام نگهبانان محیط زیست می‌توانند به نیابت از طبیعت، که قادر به اقامه دعوا برای حمایت از خویش نیست، این مهم را بر عهده گیرند. مواد ۹ و ۶ کنوانسیون آرهوس^۵ در این زمینه حائز اهمیت است. محاکم اتحادیه اروپا رأی

۱. پرونده منطقه خودمختار آزرین نمونه این قبیل احراز سمت‌هاست. در این پرونده منطقه خودمختار درصد ابطال بخشی از مقررات مدیریت امور ماهیگیری مربوط به مناطق ماهیگیری و منابع بود. سه انجمن زیست‌محیطی به نام‌های دریاها در معرض خطر، WWF، و شورای صلح سبز به دنبال اجازه برای مداخله در پرونده در حمایت از خواهان بودند. با این حال، اجازه برای مداخله بر این اساس که منافع ادعایی ایشان بیش از حد گسترده است و اینکه منافع ماهیگیران منطقه Azorean تحت تأثیر مقررات رقابت اتحادیه اروپا قرار نمی‌گیرد رد شد.

2. Consolidated version of the Treaty on the Functioning of the European Union - PART SIX: INSTITUTIONAL and FINANCIAL PROVISIONS - TITLE I: INSTITUTIONAL PROVISIONS - Chapter 1: The institutions - Section 5: The Court of Justice of the European Union - Article 263 (ex Article 230 TEC): Official Journal 115 , 09/05/2008 P. 0162 ° 0162.

۳. اگرچه ماده جدید (4) 263 برخی مشکلات قبلی را در زمینه سمت کاهش داد، با تفسیر محدود از اقدام نظارتی موفقیت خود را محدود کرد (به نقل از Collins, Philippa, Article 263(4) TFEU: Still an insurmountable barrier or a welcome change? available at: <http://www.sjo1.co.uk/issue-5/article-263-4-tfeu-still-an-insurmountable-barrier-or-a-welcome-change>

4. A comparative study on legal standing (locus standi) before the EU and member states courts, 2012, policy department, European parliament, p 17.

۵. کنوانسیون آرهوس را اتحادیه اروپا، در ۱۷ فوریه سال ۲۰۰۵، با تصمیم EC136 /۲۰۰۵/۳۷۰ تصویب کرد.

داده‌اند ماده ۹ کنوانسیون آرهوس به صراحت به ملاک قانون ملی مصوب اعضا اشاره می‌کند. همچنین دادگاه‌ها اذعان کرده‌اند مقررات کنوانسیون آرهوس به سازمان‌های غیر دولتی خاص (آن‌هایی که ملاک مقرر در ماده ۱۱ را دارند) اجازه می‌دهد برای ابطال در محاکم اقامه دعوا کنند. با این حال، دیوان دادگستری اروپا این‌گونه تلقی می‌کند که محاکم نمی‌توانند خود را جایگزین قانون‌گذار کنند و بر مبنای کنوانسیون آرهوس آن دسته دعواوی را پذیرا باشند که شرایط ماده ۲۳۰ اتحادیه اروپا (۲۶۳ کنونی) را ندارند.^۱ از تجزیه و تحلیل حقوق موردی می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه دادگستری اروپا شرایط تعیین شده از سوی کنوانسیون را نادیده می‌انگارد^۲ و با همه قوا بر اجرای حقوق اروپا (ماده ۲۳۰ اتحادیه اروپا) اصرار می‌ورزد.^۳

۲.۲. رویکرد خاص کشور آلمان

در زمینه احراز سمت و حق مراجعه به محاکم در حوزه زیست‌محیطی، آلمان مقررات خاصی دارد. بدین روی، در این قسمت رویکرد این کشور بررسی می‌شود. اجرای مفاد دسترسی به عدالت از دستورالعمل راهنمای EC/۳۵/۲۰۰۳، در سال ۲۰۰۵، در آلمان اتفاق افتاد. در این دستورالعمل مقرر شد که سازمان‌های غیر دولتی، بدون اینکه موظف به اثبات وارد آمدن لطمه به حق شخصی خود ناشی از اقدام مورد اعتراض باشند، دارای سمت شناخته شوند. در ماده ۲ این قانون-اجرائی در ۲۰۰۶- آمده است انجمن‌ها باید اثبات کنند که تصمیم‌گیری یا ترک فعل‌های صورت پذیرفته از سوی مقامات اداری مقرراتی را نقض می‌کند که هدفش حفاظت از محیط زیست است و با حقوق فردی ارتباط دارد. این مقرر به بدان معناست که سازمان‌های غیر دولتی فقط تا آنجا سمت دارند که اصولی نقض شوند که به افراد حقوق ذاتی اعطا می‌کنند. از آنجا که زمینه گسترده‌ای از موضوعات محیط زیست وجود دارند که مرتبط به حقوق ذاتی فردی نیستند، همچنان وفق این مقرر خارج از کنترل قضایی و دایره شمول آن باقی می‌مانند. بدیهی است چنین نتیجه و رویکردی نه در مطابقت با مبنای منطقی کنوانسیون آرهوس و نه در انطباق با دستورالعمل EC/۲۰۰۳/ 35 است (-Roller, 2010: 32).

دسترسی به عدالت برای سازمان‌های زیست‌محیطی در کشور آلمان داستانی طولانی و

1. A comparative study on legal standing (locus standi) before the EU and member states courts, 2012, policy department, European parliament, p 48.

۲. در سال ۲۰۱۲، GC اعلام کرد بند ۱ ماده ۱۰ مقررات آرهوس، به دلیل نقض بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس، نامعتبر است. از آنجا که یک روند بازنگری باید برای هر دعوائی در امتناع از اجرای قلمرو کنوانسیون وجود داشته باشد، از جمله درباره اقدامات دارای ماهیت عام، همچون مقررات، و بند ۱ ماده ۱۰ این امکان را سلب می‌کند، چنین استنباطی شکل گرفت.

۳. الزامات مواد ۹ (۲) و (۳) کنوانسیون آرهوس منطبق با شرایط ماده ۲۳۰ اتحادیه اروپا نیست.

پیچیده دارد. بخش ۴۲ (۲) قانون آیین دادرسی محاکم اداری این کشور مقرر می‌دارد اگر قانون مقرر مخالفی نداشته باشد، طرح دعوا از ناحیه اشخاص فقط در صورتی ممکن است که خواهان مدعی نقض حقوقش به سبب فعل یا ترک فعل یا انکار مقامات باشد. محاکم آلمان این مقرر را به نحوه مضیقی تفسیر می‌کنند. هدف از تفسیر محدود برقراری مانع در پیش‌روی طرح دعوای مبتنی بر منفعت عمومی یا طرح آن دسته از دعاوی است که وراثت ادعای نقض حقوق یا منافع شخصی قرار می‌گیرند. بنابراین، آن دسته از دعاوی که صرفاً بر پایه حمایت از محیط زیست طرح شوند مشمول این مقرر نمی‌شوند. علاوه بر این، از دیدگاه محاکم آلمان حقوق شخصی سازمان‌های غیر دولتی زیست‌محیطی از طریق نقض قوانین مربوط به محیط زیست، حتی اگر این نقض به اهداف قانونی این سازمان‌ها برای حفاظت از محصولات و محیط زیست صدمه وارد کند، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد (Roller, 2010: 30-31). در سال ۲۰۰۲ با اعطای سمت به نهادهای موسوم به انجمن‌های زیست‌محیطی ثبت‌شده، آن هم در موارد محدودی از موضوعات تحت شمول قانون حفاظت از طبیعت، رویه محاکم آلمان تغییر کرد و تعدیل شد.^۱ مطالعه تجربی کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۳ - برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ - نشان داد اقدامات سازمان‌های غیر دولتی نقشی فزاینده در حقوق محیط زیست ایفا می‌کنند. در دوره پژوهش، مشاهده شد از ۲۰۲۵۶۲ پرونده‌ای که دادگاه‌های اداری در سال ۱۹۹۸ بدان‌ها رسیدگی کردند فقط ۳۰ مورد به منفعت عمومی ربط داشت. بنابراین ترس از پذیرش دعوای مبتنی بر منفعت عمومی فقط بر اساس نگرانی از شیوع کنترل‌ناپذیر این قبیل دعاوی در محاکم بی‌مورد است.^۲ محدود پرونده‌های حقوقی طرح‌شده از سوی سازمان‌های غیر دولتی عموماً موفق‌اند. تقریباً در همه کشورها اقدامات مبتنی بر منافع عمومی از موفقیت نسبتاً بالایی برخوردارند؛^۳ مضاف بر آن باید پذیرفت که پذیرش سمت در اقامه دعوا برای سازمان‌های غیر دولتی بر پایه منافع عمومی به اطلاع‌رسانی عمومی و بهبود حقوق مشارکت نیز کمک می‌کند. به باور نگارنده، برقراری امکان دسترسی به محاکم و عدالت برای اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی برای حمایت از محیط زیست می‌تواند به اعطای حق به طبیعت، جهت اقامه دعوای جبران، نیز تعبیر شود. زیرا اشخاص و سازمان‌های فعال در این حوزه می‌توانند نقش سرپرست

۱. در سال ۲۰۰۲، با تجدیدنظر در قانون حفاظت از طبیعت فدرال، برای اولین بار به سازمان‌های غیر دولتی برای طرح شکایت علیه تعدادی محدود از تصمیم‌گیری در زمینه قانون حفاظت از طبیعت تحت قانون فدرال سمت اعطا شد.

۲. تعداد محدود اقامه دعوا بر مبنای منافع عمومی به دلیل هزینه‌های بالای آن برای سازمان‌های غیر دولتی است. ۳. حدود سی درصد از اقدامات قانونی سازمان‌های غیر دولتی حفاظت از طبیعت، در آلمان، به طور کامل یا حداقل به نحو جزئی موفق بوده‌اند؛ که به طور متوسط بالاتر از میزان موفقیت در سایر زمینه‌های تحت صلاحیت محاکم اداری در آلمان است.

را، با اندک مسامحه در مفهوم، برای طبیعت (محیط زیست) ایفا کنند؛ مانند اشخاص ناتوان که رأساً قادر به استیفا و اجرای حقوق خود نیستند.

نتیجه گیری

رویکرد سنتی در زمینه موضوع سمت در دعاوی زیست‌محیطی همواره توسط دکترین و سازمان‌های غیر دولتی مورد انتقاد قرار گرفته است. در دنیای معاصر الزامات و شرایط مربوط به سمت بر حسب نوع دعوایی که اقامه می‌شود تغییر می‌کند. در دعاوی زیست‌محیطی ملاک‌هایی چون نفع و نگرانی شخصی باید به نحوی وسیع‌تر اعمال شود. به این معنا که اشخاص قادر باشند، اگر به دلیل شرایط خاص دچار صدمه جانی قابل توجه در منافع اجتماعی می‌شوند، در آن حوزه اقامه دعوا کنند و از حق حمایت قضایی مؤثر بهره‌مند شوند. باید این واقعیت را پذیرفت که برقراری شرایطی همچون نگرانی شخصی در حوزه‌ای همچون محیط زیست به عدم پذیرش غالب دعاوی منجر خواهد شد. در حوزه محیط زیست به نظر می‌رسد اهمیت حفاظت از طبیعت و گیاهان و جانوران برای نسل‌های آینده به‌مثابه امری بنیادین برای نوع بشر فراتر از حقوق افراد خاص است. بنابراین، دامنه سمت به‌درستی گسترده‌تر از سایر حوزه‌ها شناسایی می‌شود؛ ضمن آنکه مفهوم توسعه پایدار نیز دربرگیرنده مسئولیت شهروندان امروز در برابر نسل آتی است. بنابراین، امکان طرح دعوا بر مبنای منفعت عمومی تضمین‌کننده تحقق مبنای و بستر توسعه پایدار و در زمره حقوق شهروندی قابل طبقه‌بندی و طرح است. این مهم می‌تواند از طریق اصلاح قوانین اساسی به بهترین وجه روی دهد و از گسترش و درج و اجرایی شدن چنین حقی در منشور حقوق شهروندی و سایر قوانین زیست‌محیطی حمایت کند. به بیان کلی، باید گفت دسترسی به عدالت تا زمانی که امکان رجوع به محاکم متصور نباشد معنا نخواهد داشت. اگر بپذیریم محیط زیست کالایی عمومی است، به تبع باید قبول کنیم برای حفظ آن به مداخله عموم نیازمندیم.

در سطح اتحادیه اروپا نیز به نظر می‌رسد اگر مقررات به منظور دسترسی به عدالت وفق کنوانسیون آرهوس اجرایی شود، شاید بشود یک احتمال واقعی برای عموم مردم برای کمک به اجرای قانون محیط زیست و حفاظت از محیط زیست از طریق اقامه دعوا متصور شد.

منابع

الف) فارسی

کتاب

۱. گروه صلح کرسی حقوق بشر (۱۳۸۹). حقوق زیست‌محیطی بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات دادگستر.
۲. شیلتون، دینا و الکساندر کیس (۱۳۹۴). کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبداللهی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، انتشارات خرسندی.
۳. متین دفتری، احمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، انتشارات مجد.
۴. مرادی، حسن (۱۳۹۲). حقوق محیط‌زیست بین‌الملل، ج ۱، انتشارات میزان.
۵. مشهدی، علی (۱۳۹۲). حق بر محیط زیست سالم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
۶. موسوی، سید فضل‌اله (۱۳۸). سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، انتشارات میزان.
۷. شمس، عبدالله (۱۳۸). آیین دادرسی مدنی، ج ۱، تهران: انتشارات دراک، چ ۱۲.

مقالات

۸. ارشدی، محمدیار (۱۳۸۴)، نقش قوه قضائیه هند در حفاظت از محیط زیست، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، ش ۳.
۹. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۴). «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۵.
۱۰. بهرامی احمدی، حمید و اعظم علی‌خانی (۱۳۹۲). «تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی»، دانش حقوق عمومی، س ۲.
۱۱. پیری، مریم و ناصر قاسمی (۱۳۸۸). «بررسی حقوقی قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط زیست»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۱، ش ۳.
۱۲. جم، فرهاد (۱۳۸۷). «دسترسی به عدالت زیست‌محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعاوی منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا»، حقوق اساسی، س ۷، ش ۹.
۱۳. حبیبی، محمدحسن (۱۳۸۲). «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰.
۱۴. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۹). «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق

- بین الملل محیط زیست»، پژوهش، س ۱۲، ش ۲۹.
۱۵. رضانی قوام آبادی، محمدحسین و حسین سیمایی صراف (۱۳۹۳). «از مالکیت تا حاکمیت: مطالعه تطبیقی محیط زیست در حقوق و فقه اسلامی»، دانش حقوق مدنی، س ۳، ش ۱.
۱۶. رضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمان های غیر دولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۱۳۷۵، ش ۷۵.
۱۷. صادقی، محمود و مهدی جوهری (۱۳۹۱). «ذی نفع در دعاوی ناشی از اختراع از نگاه قانون و رویه قضایی»، دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۵۹.
۱۸. عبداللهی، محسن و مسعود فریادی (۱۳۸۹). «چالش های حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست ایران»، علوم محیطی، س ۷، ش ۴.
۱۹. مرادی نوده، سیرالله (۱۳۸۷). «بهره مندی از محیط زیست سالم - حق بنیادین بشر»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۳، ش ۱۰ و ۱۱.
۲۰. نجفی اسفاد، مرتضی و عسکر جلالیان (۱۳۹۱). «ضرورت تأسیس دادگاه بین الملل محیط زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه»، راهبرد، س ۲۱.

سایت

۲۱. ضیایی، یاسر (۱۳۹۴). «نقش دیوان بین المللی دادگستری در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست»، برگرفته از سایت <http://intvisible.blogfa.com/post/117>

(ب) لاتین

22. European parliament, a comparative study on legal standing (locus standi) before the EU and member states courts, 2012, policy department, European parliament.
23. Iskoyan, Aida, The issue of LOCUS STANDI of non-governmental organizations in the sphere of environmental protection (CONSTITUTIONAL-legal analysis), p 267, available at: http://www.yasu.am/files/Aida_Iskoyan-1415703186-.pdf.
24. Kidd, Michael PUBLIC INTEREST ENVIRONMENTAL LITIGATION: RECENT CASES RAISE POSSIBLE OBSTACLES , PER / PELJ, ISSN 1727-3781, Available at: <http://www.saflii.org/za/journals/PER/2010/38.pdf>
25. Mejstad, Alva, Giving the Environment a Voice? Access to Justice for NGOs in the EU post the Aarhus Convention, Graduate Thesis, Master of Laws, Supervisor: Sanja Bogojevic, faculty of law, Lund University.
26. Murombo, Tumai, Strengthening locus standi in public interest environmental

- Litigation: has leadership moved from the United States to South Africa?, Environment and Development Journal, N.6/2, 2010, ISSN 1746-5893, available at <http://www.lead-journal.Org/content/10163.pdf>.
27. Orliange, p. La commission de developpement durable.annuaire francais de droit international xxxix, 1993.
28. Roller, Gerhard, Locus standi for environmental NGOs in Germany: The (non) implementation of the Aarhus Convention by the Umweltrechtsbehelfsgesetz Some critical remarks, Environmental Law Network International, Elni review, Issn 1618-2502, no1., 2010.

